

نقدی بر پیام اعلیحضرت بمناسبت سالگرد جنبش

۲۲ خرداد ۱۳۸۸

امیر فیض- حقوقدان

ناهد شید ۲۱ خرداد ۲۵۴۹

۱۱ جوین ۲۰۱۰

در پیام اعلیحضرت بمناسبت سالگرد جنبش ۲۲ خرداد، نکته ای وجود دارد که گفتگو و تحلیل را می پذیرد. و آن اختلافی است که بین جنبش آزادیخواهی مردم ایران با جنبش سبز دیده می شود.

در بیاتیه همه جا صحبت از جنبش آزادیخواهانه ۲۲ خرداد است یعنی مفعول به پیام جنبش آزادی خواهانه ولی در پایان پیام برخلاف مقدمه پیام یکباره همان جنبش آزادیخواهانه به «**جنبش سبز**» تبدیل گردید.

نخست، این گفتگوضروری است که بین جنبش آزادیخواهی مردم ایران با افسانه جنبش سبز جهات اختلافی است که نمی توان آن دورا در یک ردیف قرار داد.

جنبش سبز، افسانه ای است که ریشه وجودی از انتخابات سال ۸۸ به اصطلاح ریاست جمهوری یافته بود درحالیکه جنبش آزادیخواهی مردم ایران سابقه ای بسیار قدیمی و در واقع شروع و نمایانی آن با تظاهرات سالگرد مشروطیت در سال ۱۳۶۲ یعنی بیست و هشت سال قبل از افسانه جنبش سبز آغاز شد و ریشه آن به مخالفت با کل رژیم غاصب جمهوری اسلامی است نه متفرعات آن از قبیل انتخابات و امثال آنها.

تصاویری که از جریانات اولیه تظاهرات ۲۲ خرداد انتشار یافته نشان می دهد که معترضین در کمال عصبانیت می گفتند: «انتخابات بهانه است ما سی سال است که منتظر فرصتیم که دق و دلیمان را خالی کنیم» این شاهی است که آنچه که به بهانه انتخابات در ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ جریان یافت ماهیت ضد رژیمی داشته نه انتخاباتی. زیرا که موضوع انتخابات و اعتراض به آن فقط مربوط به سال ۸۸ بوده نه سی سال قبل و آن سی سال که دق و دلی مردم را انباشته کرده، مخالفت با جمهوری اسلامی است.

سابقه جنبش آزادیخواهی:

برخلاف برداشت بیاتیه اعلیحضرت، جنبش آزادیخواهی مردم ایران هیچ ارتباطی به جنبش سبز ندارد. جنبش آزادیخواهی مردم از یک اصالت تاریخی و هویتی بار اجتماعی و سیاسی دارد و جنبش باصطلاح سبز از یک توطئه سیاسی و بار حاکمیت اسراییل و آمریکا، تبدیل این دو موضع ویا اختلاط آنها نهایت بی انصافی است.

اسناد مبارزه ایرانیان نشان می دهد که ایرانیان از سال ۱۳۶۲ یعنی ۲۷ سال قبل جنبش آزادیخواهانه خود را بصورت تظاهرات شروع کردند. توضیح اینکه اولین بار در سال ۱۳۶۲ اعلیحضرت بمناسبت سالگرد مشروطیت از مردم خواستند که آرام به خیابانها بیایند مردم به ندای پادشاه جوان خودشان پاسخ مثبت وقاطع وبسیار شجاعانه دادند، به خیابان ها آمدند و خبرگزاری های خارجی حرکت وسیع ولی آرام مردم را منعکس کردند. بی بی سی گفت که تظاهرات

وسیع مردم برای حکومت غیرقابل پیش بینی بود. مردم روی هوا بادستشان «شاه، شاه» می نوشتند. یکی از شعارهایی که فراموشم نشده این بود که: «شاه شاهان برگرد به ایران عمامه داران ریدند به ایران».

سنگر هم با انعکاس تظاهرات مزبور این بیت را گذاشت:

«آن تجمع بعد از آن فرمان شاه هست برهان بر وجود رستاخیز»

تظاهرات مزبور، خمینی و رژیمش را بکلی لرزاند، خمینی آنرا بدون واکنش نگذاشت و درپیمای خطاب به اعلیحضرت گفت: «بروید درستان را بخوانید و...» که اعلیحضرت هم این خیرخواهی ناشی از وحشت اورا بلاجواب نگذاشتند.

این اشارات بسیار فشرده که شاید تشریح آن هم لازم باشد؛ همچنان ادامه یافت، در شهرستان های اراک، اصفهان؛ شیراز و شهرک های تهران به بهانه های مختلف از جمله گرانی و غیره تبدیل به تظاهراتی گردید که به مداخله نیروهای سرکوب رژیم و کشتار و زندانی کردن مردم منجر گردید.

این جنبش ها که سابقه آن میرسد به رستاخیز سال ۱۳۶۲ و الهام یافته از همان جنبش بوده هرگز از حرکت باز نایستاد تا به بهانه انتخابات بار دیگر به صورتی درآمد که براحتی می توانست البته اگر درجهت درست حرکت میکرد، موجودیت جمهوری اسلامی را بباد فنا بدهد، در حالیکه جمهوری اسلامی با آگاهی از نارضایتی مردم و انفجاری که جامعه با آن مواجه است با تدبیر خاص و استفاده از کسانی مانند موسوی، کروبی، و خاتمی به سردستگی رفسنجانی آن رستاخیز عظیم ملی را منحرف و به سویی که رژیم اسلامی میخواست سوق داد.

به این دلیل زنده و شاهد مقصود توجه فرماید:

در ۲۲ خرداد حدود سه میلیون ایرانی ناراضی از رژیم اسلامی به خیابانها آمدند. هیچ نیروی دولتی هر قدر بی رحم و مجهز باشد، قادر به مقابله با سه میلیون حاضر در میدان مبارزه نیست. یکی از روسای سازمان های اطلاعاتی کشور فرانسه گفته است: «هرگاه یک هزار آدم غیر مسلح ولی جداً مخالف و مصمم به ایستادگی در مقابل حکومت برآیند، شهر خود را از قبضه یک گروه پلیس ۲۰ هزار نفری به راحتی در می آورند»^۱

در تمام انقلابات و تظاهراتی که با هدف براندازی حاکم صورت میگیرد، تظاهرکنندگان به پایگاه های اصلی حکومت یعنی مقر ریاست جمهوری و درایران به مقر سید علی (ولی فقیه) و بعد رادیو و تلویزیون حمله می کنند و نیروهای پاسدار هم با سه میلیون ایرانی مصمم به براندازی رژیم هیچ کار جدی که آنها را متلاشی و شکست دهد نمی تواند انجام بدهد. ولی موسوی و کروبی و خاتمی مانع این حرکت انقلابی مردم شدند و آنها را به بیابان های میدان آزادی و خیابان های خلوت شهر کوچانیدند.

این دلیل زنده و شاهد مقصود، ارانه شد تا یقین فرمایید، چگونه موسوی و کروبی و خاتمی به راهنمایی رفسنجای جنبش ۲۲ خرداد را به انحرافی که موجب نجات جمهوری اسلامی شد کشیدند.

جابجایی جنبش آزادیخواهانه مردم با جنبش سبز ظلم است:

جنبش سبز، بنا براسناد و اظهارات شخصیت های شاخص آن دقیقاً تایید و تاکید حفظ خط خمینی است، حقانیت قانون اساسی جمهوری اسلامی است، اصالت و مشروعیت ولایت فقیه است، چرا باید جنبش آزادیخواهی ملت ایران را با این فساد روشن جابجا کنیم؟ این جابجایی به لحاظ آنکه آگاهی هایی که از اظهارات و سوابق و حرکات سیاسی افراد وابسته به جنبش سبز مشهود است، تقلب و ظلم به جنبش آزادیخواهی مردم محسوب است نه برداشت های اشتباهی.

^۱ - آنها سه نفر بودند گسسته ولی من یکنفر بودم با هم، مجهز و آراسته. ح-ک

یکی از افراد گروه موسوی نوشته است: «سبز در داخل وخارج در عین تکثیر موقعی موفق است که از امام عبور نکند» (فاتح عضو ارشد ستاد موسوی و نیز کروی)

چرا باید راضی شویم که نام «جنبش آزادیخواهی مردم» را با نام اسلامی جنبش «سبز» که زاینده و ساخت یک عمده بد سابقه و جنایتکار جمهوری اسلامی است، جابجا کنیم.

جنبش سبز خودش می گوید که یک پاره از جمهوری اسلامی است و با رنگ سبز هم خودش را به حاکمیت تشیع و اسلام گره زده است و عملاً هم تحت حاکمیت و آمریت اسرائیل قرار گرفت (به تحریر قبل برای ملاحظه دلایل رجوع فرمایید. - به لینک زیر بروید-^۲)

رنگ سبز. علامتی برای ناشنایان:

هر رنگی علامتی است برای بیان یک علت و فلسفه. رنگها یک قرارداد هایی هستند که رعایت آنها الزامی است، این علایم برای این انتخاب و بکار گرفته می شود که کسانی که گوش شنوا ندارند، و یا قوه درک موضوع را ندارند با دیدن رنگ بفهمند که مقصود چیست، بفهمند که باید از رنگ تبعیت کنند مثلاً اگر رنگ قرمز بصورت علامت است یعنی عبور ممنوع است رنگ سبز هم که در جنبش بکار رفته و موسوی علت آنرا بستگی به خاندان از بطن علی و فاطمه اعلام کرد برای اینکه فلسفه رنگ سبز که میرسد به تعلق حاکمیت بر نسل علی و فاطمه به پیروان سبز یادآوری شده باشد که بیخودی فکر سکولار و دموکراسی و آزادیخواهی ننمایند.

علامت رنگ سبز در نزد پیروان تشیع (ایرانیان) علامت آن است که شخص استفاده کننده از رنگ سبز در لباس خود، وابسته به خاندان پیامبر است، منتسب بودن به خانواده محمد یعنی تبعیت از فلسفه تشیح که حق حاکمیت از آن خدا و نمایندگان خدا در روی زمین یعنی آخوند می داند و محل نصب علامت سبز هم تفاوتی ندارد چه بر کمر باشد چه بر سینه و یا بر کله و یا مچ دست.

علامت سبز، علامت است هر جا که باشد علامت است و هر جا که قابل دید باشد گویای حدیث است.

سبز براندازی:

یکی از ایرانیان به ارادتمند نوشته است: «من سبزم، سبز براندازم، اعلیحضرت هم میفرمایند سبز ما که مقصودشان سبز سکولاریسم است»

بنوشته کیهان لندن به نقل از واشنگتن پست همجنس بازان هم به جنبش سبز پیوسته اند (کیهان لندن ۲۵ فروردین ۱۳۸۹)

بنابراین، بنظر همجنسبازان هم، آنها سبزند ولی سبزهجنس باز هستند. بنظر می رسد که اگر مورچه ها هم میتوانستند به جنس سبز خودشان را بچسبانند، آنها هم میگفتند ما سبزم ولی سبز مورچه شاخدار.

این قبیل افکار و ادعا ها یا ناشی از تلفین دیگران است و یا بعلت کوتاه بینی است.

جنبش سبز با مدارک هویتی و اظهارات شخصیت های مشخص آن و علامت سبز که نمودار پیوند اعتقادی آنان با خانواده محمد و علی و فاطمه است، جایی برای این برداشت های سطحی باقی نمی گذارد، و سطحی بودن و باطل بودن

² - <http://1400years.org/AmirFeyz/HakemiyateSabz-AmirFeyz-Jun7-2010.pdf>

این گونه برداشت ها را هم موسوی و کروی و خاتمی بارها به مدعیان آن باطله ها گوشزد کرده اند حتا با عبارات سبک و قدری سخیف.

این ادعا ها و تطبیق موضع اشخاص یا جنبش سبز بهانه است، بهانه برای فرار از ایفای وظیفه، بهانه برای نزدیکی به آمریکا و اسرائیل، بهانه برای مبارزه نکردن و امثال آنهاست.

این چنین ادعا هایی مانند آنست که یک سیدی که شال سبز به کمر بسته و خمس هم دریافت میکند مدعی شود که طرفدار یزید است. آخر، هر چیزی یک مجرای دارد، شهودی دارد، قسم حضرت عباس را باور کنم یا دم خروس را گویای رابطه سببیت و سبب و مسبب است. نمی شود با بستن نوار سبز و تفسیر درستی که از سوی موسوی شده و تفسیر کاملی که در حقوق تشیع از این رنگ و علامت شده مدعی شوید که «سبز ما سبز سکولار است». سبز ما حرکت بسوی دموکراسی و آزادیخواهی است. اینها تلقینات نادرست مامورین اسرائیل و آمریکا است که آن مامورین آنها را به کسانی چسبانده اند.

به این تلقینات نادرست مامورین بیگانه توجه فرمایید:

برخی از آشنایان من می گویند موسوی ۸ سال نخست وزیر رژیم بوده نمیتوان به او اطمینان کرد. من به آنها گفته و میگویم موسوی در باره افکار گذشته خود تجدید نظر کرده فهمیده که راهی را که در گذشته میرفته خطا بوده و از خط خمینی برگشته است. اوایل انقلاب او جوان بود و جهان بینی درست نداشت اما امروز صحبت از عدالت و دموکراسی می کند (نوریزاده رادیو صدای آمریکا)^۲

هدف جنبش سبز ساختن یک نظام سیاسی لیبرال بجای ولایت فقیه و دیکتاتوری مذهبی است (داریوش همایون مصاحبه با تلاش دوم آذر ۱۳۸۸)

هرکس باصل خودش گردد باز:

بزرگی، اصالت، انسانیت، عشق به ایران احترام به تاریخ و سنت و هویت ملی، اقتضای آن دارد که بیدار شویم از این بازی سبز دست بکشیم، اگر بازی برای تجربه هم بود کافی است، بدنامی تاریخی چسبیدن به این لجن اسرائیلی را در کنیم.

اعلیحضرت نماد میراث های اعتباری ملتی هستند که ۲۵۰۰ سال پشتوانه دارد، این موهبت عظیم را باید قدر دان باشیم، راه نجات ایران از مهلکه توسل به این پشتوانه عظیم تاریخی و ملی است نه سبز بازی آنها از نوع اسرائیلی آن.

رجوع از اشتباهات:

برای هرکس، خرابیهای دردل و اشتباهاتی در برداشت نسبت به رویداد ها بوجود می آید ولی آنکس که از اشتباهات رجوع کرد، می تواند مدعی جبران مافات گردد.

«ما» باید واقع بین باشند، در عدول از اشتباهات شجاع باشند، به سنت و منش و باور های ایرانیان احترام بگذارند، «ما» باید بدانند که میدانند ایرانیان زیر بار بیگانه نمی روند، از خدمت و آقایی بیگانه آنها اسرائیل متفرند، نمیتوان هم سرباز اسرائیل و هم برای اسرائیل مبارزه کرد و هم در خدمت ایران و ایرانی بود.

^۲ - برخلاف این اظهارات نوریزاده موسوی بارها گفت: من خط امام را دنبال می کنم «عمله های دیگر جنبش سبز گفتند «هرکس از خط امام خارج شود ضد انقلاب است» ح-ک

«ما» باید این ننگ را که آزادیخواهی و سربلندی ملت ایران را به پای عوامل جمهوری اسلامی بسردستگی موسوی و کروی و خاتمی ریخته ایم با خودآگاهی و برگشت به راه مراد و نیت ملت ایران پاک کنیم.

«ما» باید با یک تصمیم فوری و مردان و بحق، دست از این جنبش سبز اسرائیل بشوییم و با جنبش آزادی مردم که اعلیحضرت بنیانگذار آن در سال ۶۲ بودند هم سنگر شویم و نگذاریم که رستاخیز ملی ایرانیان (جنبش آزادیخواهی مردم) به بدترین اتهامات نزدیک به حقیقت یعنی بیگانه پرستی و نوکری اسرائیل و آمریکا آلوده شود.

چو افتد سگی میشود منجلاب

اگر پر شود برکه ای از گلاب

